

# نظام تعاونی از دیدگاه اقتصاد اسلامی

دکتر حسین باهر  
(England/P.Ph.D., Canada Prof. at H.W.U)

## پیش نوشتار

نگارنده، که اکثر تحصیلات و تجربیات خود را در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی، آن هم در حداکثر ممکن دانش امروز و بینش دیروز، کسب کرده‌ام، توفیق آن را داشته‌ام از محضر بسیاری از بزرگان دین (امام خمینی) و دانش (پروفسور داوید ویچ) در زمینه‌های اقتصادی، از جمله تعاونی‌ها، بهره ببرم. خوشبختانه محصول این معلومات، در شرایط فعلی، می‌تواند به حال جامعه-اعم از ملی و جهانی- مفیدباشد. امید آن که متولیان امور، فرصت موثر بودن آنها را نیز فراهم کنند. انشاءالله.

## مقدمه

استراتژی "تعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان" بر دو امر اقتصادی و فرهنگی و در نهی اخلاقی و عرفان دلالت دارد. "بر" در جمع موضوعی آن "مبرات" است، یعنی نیکی‌های مادی، در قیاس با "تقوی" که نیکویی‌های معنوی است. بدیهی است که "اثم" هم مفهوم گناه فردی دارد و موردی است اخلاقی کما اینکه "عدوان" نیز مفهوم گناه جمعی دارد. توضیح آنکه استراتژی امر و نهی در مکتب اسلام دارای دو زیر مجموعه است که در مجموع، ما را به هدف "لا اله الا الله" می‌رساند. اما بحث نظام تعاونی از دیدگاه اقتصادی اسلامی، یعنی تشکل‌های اقتصادی که به صورت تعاونی قابل تعیین هستند. خوشبختانه در این زمینه، هم به صورت آیات و هم به شکل روایات، مراتبی را در مطالب اسلامی داریم که به اجمال زیر مطرح می‌گردد.

## هدف

در تعاونی‌های متداول (OP-CO) بنابر اولویت احترام به آحاد افراد است (هر نفر یک رأی) و سپس سود شرکت، به هر شکلی! اما در تعاونی اسلامی قاعداً "حفظ کرامت



بحث نظام تعاونی  
از دیدگاه اقتصاد  
اسلامی، یعنی  
تشکل‌های اقتصادی  
که به صورت  
تعاونی قابل تعیین  
هستند.

انسانی با هدف رشد اجتماعی "بایستی لحاظ شود و لذا قاعده "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" حاکمیت می‌یابد. به عبارت دیگر، تشکل‌های تعاونی اسلامی بایستی ضمن حفظ کرامت انسان‌های مشارکت‌جو (اتحاد ملی)، به رشد جامعه اسلامی خود نیز توجه کنند (انسجام اسلامی).

توضیح آنکه در تعاونی‌های اسلامی، همگان تلاش می‌کنند تا منافع فرد را ضمن ارتقای مصالح جمع ارتقا ببخشند، یعنی باید تابعی را حل کرد که یک معادله دارد و دو مجهول و البته این کار در برنامه‌نویسی‌های غیرخطی شدنی است که به مدل آن می‌گویند:

Optimization by Non - linear Programming

عوامل کنترل‌کننده در چنین تابعی به ترتیب عبارتند از:  
الف) محک‌های بینشی: تعیین اصولی که ما به اشتراک عموم ادیان الهی است (حقیقت).  
ب) قوانین دانشی: بخشی از علوم که به قطعیت اثبات رسیده‌اند (طریقت).

پ) الزامات روشی: دانش فنی و تکنولوژی قابل دسترس روزآمد (شریعت).

ت) ایجابات منشی: آداب و سنن، عرف و عادت هر مکانی (واقعیت).



**تشکل های تعاونی  
اسلامی بایستی  
ضمن حفظ کرامت  
انسان های  
مشارکت جو، به رشد  
جامعه اسلامی خود  
نیز توجه کنند.**

به اجرا درآیند، می توانند نمونه های موفق را ارایه دهند. ذیلاً پاره ای از آنها را ذکر می کنیم:

- ۱) مضاربه، در امور بازرگانی و کسب و کار.
- ۲) مزارعه، در امور کشاورزی و دامداری.
- ۳) مساقات، در امور باغبانی و باغداری.
- ۴) جعاله، در انجام خدمات مالی- اداری.
- ۵) اجاره به شرط تملیک، در امور اجاری و مستغلات.
- ۶) مشارکت مدنی، در امور تهیه و تولید و توزیع صنعتی.

- ۷) بیع اقساطی، در تهیه ابزار و آلات.
  - ۸) سلف فروشی، خرید و فروش محصولات از قبل.
  - ۹) بیمه جمعی، تامین های مالی و مقابله با ریسک.
  - ۱۰) قرض الحسنه، وام بلاعوض برای نیازهای مبرم.
- امید است توفیق آن فراهم شود که روزگاری مسایل اقتصادی در مرکز محور ارزش های انسانی (محکمت های دینی، احکام دانشی، حکمیت های روشی و حکمت های منشی) حل گردد.

**نمای شماتیک از حد مطلوب سازی یک تابع**  
با عنایت به محدودیت های لاضرر (ضرر فردی) و  
لاضرار (ضرر اجتماعی)



**مؤخره**  
احتمالاً شکل هایی از عقود اسلامی اگر با نظارت عدلین